

مجلات منطقه ما: عصری، ۱۷ شهریور، کوی کارگران، مقدم، کوشش، کوی پلیس، پروین اعتصامی المهدی، سیدی، ولی عصر (عج)، عسکریه، انقلاب بهارستان، ابوذر، ایمان، رباط، ایوان، طرق

شهرآرا محله ۷

شماره روزنامه شهر آرا: ۲۹۷۲
هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۵۶ / سه شنبه / ۲۸ آبان ۹۸
۸ صفحه

در یافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از SHAHRARANEWS.IR

تشکیل شوراهای اجتماعی دومحله دیگر برای شهروندان تکمیل شد

اجرای گام سوم در محلات ابوذر و المهدی

گام سوم برای تشکیل شوراهای اجتماعی در ۲ محله شهرک ابوذر و المهدی برداشته شد. شهرک ابوذر اولین محله در ناحیه ۲ بود که ترکیب شورای اجتماعی خود را در گام سوم شناسخت. انتخابات در این محله با توجه به ادغام ایوان طرق با شهرک ابوذر انجام می شود...

شهروندان خیابان شهید خیبری ۹ از مزاحمت خودروهای سواری گلایه دارند

آزمایش سلامت خودروها به قیمت سلامت شهروندان

به درخواست شهروندان خیابان خیبری ۹ راهی این خیابان شدیم تا از آنچه که این شهروندان را هر روز آزار می دهد و آسایش و امنیتشان را به مخاطره کشانده است گزارشی تهیه کنیم...

به مناسبت هفته وحدت به دیدار جانباز ۷۰ در صدمحله صبار فته ایم

دستی که صدام گاز گرفت

به مناسبت هفته وحدت به دیدار جانباز ۷۰ در صدمحله صبار فته ایم می رویم. مردی که نیمی از بدنش حرکت ندارد. دست راستش از کار افتاده است و پای چپش که به سختی تعادلش را روی آن حفظ می کند. ۳ پسر و یک دختر دارد. او کم حرف است و باید به سختی و با سوالات پیاپی از او حرف شنید...

۶

۷

۲

روایت نخبه سخت کوشی که دوست ندارد مهر خروج از کشور بر گذرنامه اش بنشینند

می خواهیم ایران بمائیم

۴





تشکیل شوراهای اجتماعی دو محله دیگر با رأی شهروندان تکمیل شد

اجرای گام سوم در محلات ابودر و المهدی

برگزیدند همچنین با توجه به حد نصاب نرسیدن داوطلبان برای عضویت در مجامع مدارس، کسبه و تشکل ها کار انتخاب این اعضا به زمان دیگر موکول شد. پورباغبان، نفر اول شورای اجتماعی شهرک ابودر، در گفت و گو با شهرآرامحله گفت: من از سال ۶۸ در این شهرک ساکن هستم و از ابتدای حضورم در این شهرک برای آبادانی آن اقداماتی انجام دادم که کشیدن خطوط تلفن یکی از آنها بود. پس از آن هم من در خدمت شهروندان محله بودم و قدم هایی برای آبادی این شهرک در سازمان عمران، هیئت مدیره و هیئت امنای مسجد برداشتم. عضو منتخب شورای اجتماعی شهرک ابودر در باره برنامه های آینده خود برای پیگیری در شورای اجتماعی نیز گفت: باوندی، شهردار منطقه، زحمات زیادی برای شهرک ابودر کشیده است که پیاده سازی، آسفالت، رسیدگی به فضای سبز و ایجاد سرویس بهداشتی عمومی تنها نمونه ای از آنهاست اما ایرادهایی نظیر کیفیت بد آسفالت در پارکینگ ها، تغییر محل زمین ورزش و ایبال روباز که در مجاورت منازل مسکونی ایجاد شده است هم وجود دارد که باید رفع شود.

تشکیل شورای جوان و با سابقه در محله المهدی

شورای اجتماعی محله المهدی، دومین محله ناحیه ۲، بود که برای شهروندان اعضای شورای

گذاشتند و آمدند تشکر می کنیم اما انتظار من با توجه به شناختی که از این شهرک دارم و تجمیعی که بین ایوان طرق و شهرک ابودر انجام شده است، بیش از این تعدادی بود که امروز برای انتخابات آمدند. ناصر خجسته در ادامه بیان کرد: در دوره های گذشته مادر شهرداری افرادی را به عنوان نمایندگان شورای اجتماعی انتخاب می کردیم و آن افراد در شورا حاضر می شدند اما طبق مصوبه شورای اسلامی شهر از این پس ما به تشکیل شوراهای اجتماعی محلات با رأی گیری از شهروندان موظف هستیم. رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی منطقه افزود: هدف از این کار بالا بردن مشارکت شهروندان در مسائل مختلف است که امیدواریم با حضور پررنگ شهروندان در شوراهای اجتماعی به آن دست پیدا کنیم.

اعضای منتخب شورای اجتماعی شهرک ابودر

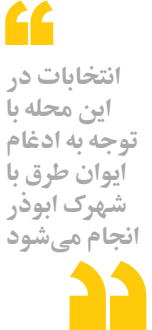
در ادامه این نشست داوطلبان مجمع ساکنان به معرفی خود و سابقه فعالیت هایشان پرداختند و پس از آن حاضران محمد جواد پورباغبان، محمدعلی فرزانه، محمود عبد... نژاد، مهرانگیز مؤمنی، بی بی مریم سیدی و فاطمه ریحانی را به ترتیب آرا برای عضویت در این شورا به عنوان نماینده ساکنان و حجت الاسلام رضایی را به عنوان نماینده مساجد

گام سوم برای تشکیل شوراهای اجتماعی در ۲ محله شهرک ابودر و المهدی برداشته شد. شهرک ابودر اولین محله در ناحیه ۲ بود

که ترکیب شورای اجتماعی خود را در گام سوم شناخت. انتخابات در این محله با توجه به ادغام ایوان طرق با شهرک ابودر انجام می شود و از این پس به علت ادغام شدن این دو محلات، یک شورا وظیفه رسیدگی به مسائل هر دوی این محلات را بر عهده خواهد داشت. نکته در خور تأمل در انتخابات شهرک ابودر اما حضور نیافتن داوطلبان محله ایوان طرق در روز انتخابات بود به طوری که تنها یک داوطلب برای عضویت در این شورا از ایوان طرق حضور پیدا کرد که او نیز نتوانست نظر مساعد شهروندان شهرک ابودر را به خود اختصاص دهد.

توقع بیشتر از شهرک ابودر

رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی منطقه در ابتدای نشست برگزاری انتخابات در شهرک ابودر با انتقاد از حضور کم شهروندان برای انتخاب اعضای شورای اجتماعی این محله بیان کرد: از شهروندانی که برای آبادانی محله خود وقت



من يك كتابدارم...

حرف اول



باز هم هفته کتاب و کتابخوانی و روز کتابدار و توجه ها معطوف به این گنج ارزشمند شد. کتاب برای من واژه ای است آشنا و غریب البته درست متوجه شدید کتاب برای من که یک کتابدار هستم آشنای غریبی است. آشنای آن جهت که همه ما انسان ها از تولد و حتی شاید خیلی قبل تر از آن با کتاب مأنوس بوده ایم و همچنان خواهیم بود. اما غریب از آن جهت که همه روزه و همه ساعت های عمر مان را بی توجه به این دیر آشنای غریب، یار مهربان و دوست داشتنی هستیم و همواره از کنارش به سادگی عبور کرده ایم و گذشتیم. من معتقدم این کتاب ها هستند که انسان ها را می سازند. شاید حرفم کمی عجیب به نظر برسد اما واقعیت همین است. مطالبی که از گذشتگان سینه به سینه به ما رسیده است خود کتابی است گویا این باور را در ماتقویت می کند که انسان ها خود یک کتاب گویا هستند.

چرا تمام روزها روز کتاب نباشد؟

هفته کتاب؟ چرا تنها یک هفته را به نام کتاب می زنیم؟ چرا تمام روزهای خوب خدا روز کتاب و کتاب خواندن نباشد؟ چرا عادت کرده ایم فقط در سال یک هفته را به این مقوله اختصاص دهیم. چرا تنها در این هفته تمام رسانه ها اعم از روزنامه ها، رادیو، تلویزیون و اینترنت با تمام فضای مجازی اش دم از کتاب و کتابخوانی می زنند و آمارهای درست و غلط از رسانه مطالعه ارائه می کنند؟ به عقیده من که همکار کتاب هستم اوزیادترین و نزدیک ترین چیز به سرشت آدمی است. خواندن کتاب نگاه آدمی را تغییر می دهد و لذت و وصف ناپذیری به انسان می بخشد. خواندن کتاب میل به یادگیری و دانش را شدید و شدیدتر می کند. با مطالعه است که زبان انسان گویا و فصیح می شود. در یک کلام خواندن کتاب جان و دل را آرام می کند. حال از ورود به کتابخانه شهید مطهری ۱۸ سال می گذرد و من در این سال ها شاهد رشد و شکوفایی افرادی بودم که دوست کتاب بودند و علاقه خود را با خواندن او به اثبات می رساندند. من نیز در این بین در موفقیت آن ها سهیم هستم زیرا آن ها راه هدایت و راهنمایی کرده ام. من از موفقیت های تک تک آنان و حال خوشی که با خواندن کتاب به دست آوردند به خود می بالم.

خاطرات من از کتابخانه

امسال همچون سال های گذشته در هفته کتاب روی صندلی در مقابل کتاب های چیده شده در قفسه ها می نشینم و آلبوم خاطراتم را در کتابخانه شهید مطهری که خانه روح من است ورق می زنم. چه خاطرات خوب و شیرینی در اینجا دارم که ای کاش می شد با دیگران آن ها را سهیم کنم. ناخودآگاه به یاد روزی می افتم که دانش آموزی دبستانی به دنبال کتابی از احادیث ایدسون آمده بود و ناخودآگاه می خندم و به پشت سرم که در ورودی در آنجا واقع است نگاه می کنم. من در تمام گوشه و کنار این کتابخانه خاطره دارم. حتی در ورودی که یک بار در آن با صحنه عجیبی مواجه شدم. یادش بخیر انگار همین دیروز بود که در کتابخانه را گشودم و با موش هایی مواجه شدم که صفحات کتاب ها را با خود می کشیدند و می جویدند. گویا در بین کتاب ها و صفحات آن ها به دنبال مفهومی خوشمزه تر بودند تا با خود نزد خانواده ببرند.

خاطرات من و کتاب

امروز که در محل کارم حاضر شدم یاد سخن نویسنده معروف و یکتور هوگو افتادم که گفته است خوشبخت کسی است که به یکی از این دو چیز دسترسی دارد یکی کتاب خوب یا دوستی است که به کتاب دسترسی دارند. با توجه به این تعریف است که من حس می کنم خوشبخت ترین انسان روی زمین هستم. چون با کتاب های خوب سروکار دارم، هم دوستان و هم کارکنان دارم که عاشق کتاب هستند و با آن سروکار دارند. ■



وحدت میان ما

داشتن یک پیامبر واحد. به همین مناسبت جشن وحدت آفرینی در ۳ مدرسه دبستان همت، والفجر، میراب با حضور ۱۰۰۰ نفر از دانش آموزان اهل سنت و شیعه برگزار شد. در این جشن برنامه های شاد و مفرح در قالب سرود و نواشیح، قرعه کشی بین مدعوین، مولودی خوانی، برگزاری مسابقات قرآنی با موضوع وحدت برگزار شد. ■

میلاد پیامبر فرا رسیده و شور جشن برپاست. پیامبری که هر که نام مسلمانانی دارد به او اقتدا می کنند. برای شیعه و سنی که میلاد نور حلقه وحدت آفرینشان است چه دستاویزی محکم تر از





نشست مشترک دفاتر بازآفرینی با حضور مسئولان شهرداری منطقه و شهر آرامحله برگزار شد

تعاملی برای بهبود خدمت!



اجتماعی تشکیل شد. بارای شهر وندان این محله محمدرضا رحمتی، مجتبی حسین پور، وحید تقی پور، سید محمد رجایی، فاطمه حمیدی و مریم روحانی به عضویت در مجمع ساکنان و رضا حکم آبادی به عنوان نماینده کسبه و فاطمه خیرآبادی به عنوان نماینده مدارس انتخاب شدند. محمدرضا رحمتی که ۳۱ سال سن دارد، توانست با بیان فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی خود در محله المهدی بیشترین آرا را به دست آورد. او از دغدغه‌های خود برای محله المهدی عمرانی مانند ایجاد بوستان، فضاسازی و آسفالت خیابان‌ها فعالیت‌های خوبی انجام داده و حالا می‌طلبد به مسائل و مشکلات بخش فرهنگی و اجتماعی توجه بیشتری داشته باشد. رحمتی ادامه داد: من به دلیل دغدغه‌های فرهنگی که دارم در این انتخابات حضور پیدا کردم و امیدوارم نقش مؤثری در شورای اجتماعی محله داشته باشم. وی انتخاب اعضای شورای اجتماعی را از سوی شهر وندان تأثیرگذار دانست و افزود: انتخاب اعضای شورای اجتماعی محلات از سوی خود شهر وندان می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد چرا که شهر وندان از بین خود افرادی را انتخاب می‌کنند که با در دو مشکلات آن‌ها آشنا هستند و در آخر نیز می‌توانند از آن‌ها مطالبه کنند. مجتبی حسین پور که با ۲۶ سال سن به عنوان نماینده جوان شورای المهدی انتخاب شده به شهر آرامحله گفت: به عقیده من تشکیل شوراهای اجتماعی بارای مردم و حضور جوانان در آن موجب پویاشدن بیش از پیش شوراهای اجتماعی می‌شود و ماحتمی تأثیر آن‌را روی نمایندگان این شورا خواهیم دید. ■

طرق نیز گزارشی از اقدامات این دفتر ارائه کرد. وی گفت: دفتر تسهیلاتی طرق در بخش‌های اجتماعی و اقتصادی اقدامات متعددی برداشته است که ایجاد گروهی ۲۰ نفره از بانوان محله از آن جمله است. افزون بر این ما در بخش دانش‌آموزی نیز کارگاه استارت‌آپ برگزار کردیم که دانش‌آموزان طرقی حضور خوبی در آن داشتند و در یکی از رقابت‌ها رتبه بالایی را به دست آوردند. اکنون نیز ما قصد تشکیل کارگروه‌های مختلف در حوزه‌های مختلف اجتماعی داریم. غفار در آخر ضمن تشکر از حوزه فرهنگی و معاونت ترافیک شهرداری منطقه بیان کرد: تاکنون به جز دو مجموعه فرهنگی و ترافیک شهرداری دیگر حوزه‌ها همکاری ضعیفی با دفاتر تسهیلاتی داشته‌اند و تقاضای تعامل بیشتر این مجموعه با دفاتر تسهیلاتی را داریم. کارشناس خدمات شهری منطقه نیز در پاسخ به موارد مطرح شده، بیان کرد: برخی از خواسته‌های شهر وندان خارج از پیمان خدمات شهری است. نظافت کال‌خارج به صورت یک‌روز در میان اسوی ۱۵ کارگر به علت رعایت نکردن شهر وندان انجام می‌شود که متأسفانه این توان زیادی از ما می‌گیرد. مادر محل این کارگری جمع‌آوری زباله نیز قرار دادیم اما متأسفانه این کارگری روز نخست به آتش کشیده شد. کارشناس خدمات شهری منطقه به زمان جمع‌آوری زباله نیز اشاره کرد و افزود: کار جمع‌آوری زباله در اغلب کشورها شب انجام می‌شود. پیمانکاری که جمع‌آوری زباله‌ها در منطقه بر عهده دارد نیز بر اساس همین بازه زمانی به جمع‌آوری زباله‌ها اقدام می‌کند که گاهی تا ۶ صبح طول می‌کشد. ■

مزاحم و... پرداخت و ادامه داد: ما می‌دانیم که شهرداری مشهد هزینه زیادی را برای نظافت شهر به طور روزانه پرداخت می‌کند که بسیاری از آن‌ها اصلاً دیده نمی‌شود. ما می‌توانیم با نصب بنر و تهیه پرشور به شهر وندان اطلاع‌رسانی و آگاهی ببخشیم تا با تفکیک زباله‌های خود از هزینه‌های زیادی که برای شهر می‌شود، بکاهیم. آخرین موردی که کارشناس دفتر تسهیلاتی خلیج بیان کرد مربوط به راه‌های ارتباطی دفتر تسهیلاتی با شهر آرامحله بود. وی گفت: ما خواستار اشتراک دائم روزنامه شهر آرامحله هستیم و ارتباط سازنده شهر آرامحله با دفتر تسهیلاتی خلیج و به همین دلیل از مسئولان این روزنامه دعوت می‌کنیم تا برای بازدید و آشنایی با فعالیت‌های دفاتر تسهیلاتی به دفتر ما بیایند. احمد رضایی، مدیر دفتر تسهیلاتی قائم نیز در ابتدا به بیان معضلات و پیشنهادهای خود در این محله پرداخت. سامان‌دهی مشاغل مزاحم، برپایی روزبازار در محله برای توانمندسازی بانوان، افزایش و تنظیم روشنایی معابر و بوستان‌های محله، ایمن‌سازی دکل‌های برق و گلابه از زمان جمع‌آوری زباله از محله قائم از جمله مواردی بود که از سوی مدیر این دفتر بیان شد. وی در انتها گفت: ما در مدت اندکی که دفتر آغاز به کار کرده است تعامل خوبی با شورای اجتماعی داشتیم به طوری که حتی از این مجموعه دعوت کردیم جلسه‌های خود را در محل دفتر ما تشکیل دهند.

● گلابه از همکاری نکردن برخی معاونت‌ها
امیر محمد غفار، کارشناس شهرسازی دفتر تسهیلاتی

نشست مشترک کارشناسان دفاتر تسهیلاتی محلات طرق، قائم و خلیج با مسئولان شهرداری منطقه و شهر آرامحله به درخواست دفتر تسهیلاتی خلیج و با موضوع بررسی راه‌های همکاری و تعامل بین حوزه‌های مختلف شهرداری با دفاتر تسهیلاتی برگزار شد. رابط بین دفاتر تسهیلاتی منطقه در آغاز این نشست گفت: اکنون ۳ دفتر تسهیلاتی در این منطقه فعال شده که اولین دفتر در شهرک طرق از اردیبهشت ماه آغاز به کار کرده است. پس از آن دفتر محله خلیج از ابتدای شهریور کار خود را آغاز کرد و آخرین دفتر در محله قائم دایر شد. نظری ادامه داد: عمده فعالیت دفاتر ما در حوزه‌های ارتباط با جامعه محلی، فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است و ما امیدواریم با هم افزایی با دیگر سازمان‌ها مانند شهرداری بتوانیم در راستای خدمت‌رسانی به شهر وندان محلات پیرامونی گام‌های مؤثری برداریم.

● کارنامه اقدامات دفاتر تسهیلاتی منطقه
در ادامه این نشست دفاتر تسهیلاتی به بیان گزارشی از معضلات و اقدامات خود پرداختند. خسرو جردی، کارشناس شهرسازی دفتر خلیج، به معرفی معضلات این محله از قبیل مشکلات کال‌اقبال و ریختن زباله از سوی شهر وندان در آن، سگ‌های ولگرد، مشاغل





● رقابت میان شاگردان

متولد آخرین روز تابستان هستم. سال آخر دبستان در آزمون های تیزهوشان و نمونه دولتی شرکت کردم و هر دو را قبول شدم. ترجیح دادم به مدرسه نمونه دولتی اندرزگو بروم. در این مدرسه جو خاصی را تجربه کردم چرا که در کل ۴ کلاس داشتیم و این مدرسه تنها ۹۰ دانش آموز را جذب کرده بود و ما اولین ورودی این مدرسه بودیم. حضور در این مدرسه یکی از شانس های بزرگ زندگی من بود. بیشتر کادر آموزشی این مدرسه سابقه کار در خارج از کشور را داشتند یا دوره هایی را در خارج دیده بودند.

یکی دیگر از ویژگی های این مدرسه رقابت شدید بین دانش آموزان بود و البته اختلاف طبقاتی که البته در این مدرسه زیاد بود و گاهی من را آزار می داد. حتی لباس پوشیدنمان فرق داشت اما با این وجود بیشتر شاگرد اول های این مدرسه از دانش آموزان پایین شهر بودند. من در این مدرسه آموختم همیشه به دنبال یادگیری، پژوهش، کشف و پیشرفت باشم.

● به دبیرستان معمولی رفتم

رقابت در این مدرسه به گونه ای بود که نفر اول کلاس معدلش ۱۹/۹۸، نفر بعد از آن ۱۹/۹۶ و نفر آخر بالای ۱۸ بود. همه برای خودشان شاگرد اول بودند. آن موقع به شدت حس رقابت داشتیم. البته برخی از دانش آموزان هم بودند که متأسفانه موفق نشدند. شوق و حس رقابت آن ها از بین رفته بود. بچه ها حتی در روابط همین دو صدم را در نظر می گرفتند. بچه هایی بودند که در این جو صبر به خوردند و موفق نشدند. من شنیدم که شاگرد اول کلاس من یک لیسانس از دانشگاه آزاد گرفته و خیلی در تحصیل موفق نشده است. آن ها زود اشیاع شدند و همه چیز را رها کردند. من برای دبیرستان دیگر به مدرسه نمونه آینده سازان رفتم، چون گفتم روحیه ام را خراب می کند. رقابت های کاذب و اختلافات طبقاتی باعث شد نخواهم دیگر در این فضا درس بخوانم. به یک دبیرستان معمولی رفتم. دبیرستان عدالتیان که هنوز با آن در ارتباط هستم.

● قلعه فلک الافلاک کجاست؟

من از کلاس اول راهنمایی با جو کتابخانه آشنا شدم. پنجشنبه ها که کلاسم زودتر تمام می شد بلافاصله می رفتم حرم و وقتی بیرون می آمدم هوا دیگر تاریک شده بود و به جایش پاسخ تمام سؤالاتم را گرفته بودم. از کتاب های «بیشتر بدانید» پاسخ سؤالاتم را پیدا می کردم و حس بسیار خوبی داشتم. در سیستم الان معلم ها حس پرسش کردن را می آموزند اما حس پژوهش کردن را به دانش آموزان یاد نمی دهند. تحقیقاتی به دانش آموزان می دهند اما دانش آموزان را از کافی نت تهیه

روایت نخبه سخت کوشی

که دوست ندارد مهر خروج از کشور بر گذرنامه اش بنشیند

می خواهم ایران بمانم

گل دفتر

۵۶

سیده نعیمه زینبی
دبیر شهرآرا محله

کارنامه علمی و تحصیلی اش آن قدر پر و پیمان است که اگر بخواهیم فقط آن را بررسی کنیم به پایان مطلب رسیده ایم و چیزی از خودش نگفته ایم. او جوان ترین دانشجوی پساکتری ایران است که از طرف بنیاد علمی نخبگان در دانشگاه فردوسی مشهد در رشته مهندسی مواد و طراحی صنایع غذایی در حال تحصیل است. مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا را در ۱۰ سال پیاپی با معدل بالای ۱۹ پشت سر گذاشته است.

نامش بر جلد ۵ کتاب تخصصی رشته اش به عنوان نویسنده آمده است. حداقل ۶ سال سابقه تدریس در دانشگاه دارد و افزون بر این سه بار مشاور پایان نامه بوده است. او ۳ مقاله خارجی و ۱۵ مقاله علمی داخلی ارائه کرده است و با همه این تفاسیر فقط ۳۰ سال دارد. حسن صباغی که محله کودکی اش ساختمان است، دوره دانشجویی اش را در خیابان فدائیان اسلام می گذراند تا ما بتوانیم با او به عنوان یک نخبه علمی مصاحبه کنیم. آنچه می خوانید از زبان این دانشمند جوان کشور است.



صباغی می گوید: از سال ۹۰ تا ۹۶ سابقه تدریس در دانشگاه دارم که الان به خاطر کارهای پژوهشی ام کنار گذاشته ام. اولین کتاب را با دوستم ترجمه کردیم که هم نام خودم بودو الان به دلیل داشتن فرصت مطالعاتی، در لیون فرانسه است. افزون بر آن چند کتاب دیگر هم در حیطه رشته ام نوشتم. بیشتر پروژه های کلاسی ام را آن قدر خوب انجام می دادم که

وارانه می کند. آن موقع اگر به من تحقیق می داندند نمی توانستم از پدر و مادرم سؤال کنم. مادرم سطح سواد نهضت داشت و پدرم تا پنجم دبستان خوانده بود. من برای پاسخ یکی از سؤالاتم روز سیزده به در را از صبح تا ظهر از هر کسی که کت وشلوار داشت و ظاهرش می خورد که بداند، آن را پرسیدم. «قلعه فلک الافلاک کجاست؟» در بیک نوری ام تنها این سؤال مانده بود که بی جواب بود اما کسی آن را نمی شناخت و آخر پاسخ را نیاftم. برای یافتن یک سؤال در بیک شادی با کسانی ارتباطی می گرفتم که تا به حال ندیده بودم که خودش باعث رشد من می شد. من در هر دوره ای سعی می کردم که بهترین خودم باشم. الان چیزهایی هست که باعث می شود دانش آموزان آدم های عمیقی نباشند. سال ۸۶ وارد دانشگاه شدم.

با وجودی که اینترنت بود و من می توانستم پاسخ سؤالات را از آنجا پیدا کنم اما تنها به این اکتفا نمی کردم. گشت و گذار و قدم زدن در کتابخانه به من آرامش می داد. این روحیه از مدرسه به من القا شده بود. شاید همین امر باعث شده بود من در ۲۸ سالگی شوق تدوین کتاب داشته باشم. البته برای کتاب هایی که می نویسم زحمت زیادی می کشم.

● بعضی معلم ها اسطوره هستند

من در آن مدرسه چند بعدی بودن را آموختم. ناظم مدرسه مان فوتبالی و قرآنی بود، طراحی می کرد و خط خوشی داشت یعنی تک بعدی نبود. بعضی از آدم های آن مدرسه رانه الگو بلکه اسطوره می بینم و هر وقت به آن مدرسه فکر می کنم به این باور می رسم که از دیگران جلوتر بودم. مثلاً بحث درس هایی از قرآن آقای قرآنی بود. یکی از معلمان به ما می گفت درس هایی از قرآن را ببینید اما به این اکتفا نمی کرد. پاسخنانه هایی داشت و بهترین پاسخنانه از لحاظ ظاهری را روی تابلو می گذاشت. آن تابلو برای ما آن قدر خاص شده بود که همه برای اینکه پاسخ برگشان روی تابلو برو، تلاش کنند. چقدر یک فرد می تواند لایه های مختلف آموزشی برای یک دانش آموز بسازد. من قدر دان معلمان و کادر این مدرسه هستم.

● آدم باید چند بعدی باشد

در ادامه راه به فیلم هایی علاقه مند شدم که از روی کتاب و رمان ساخته شده بودند. من کتاب ها، رمان و فیلم هایی را که می دیدم، روی آن تحقیق می کردم و سپس درباره آن مطالبی را می نوشتم. الان هم یک صفحه در فضای مجازی دارم که درباره فیلم هایی که می بینم مطالبی را می نویسم. دوستانم به من می گویند تو عادل فردوسی پور سینما هستی. چرا که می دانم کدام کارگردان چه آثاری داشته است یا بازیگران مطرح دنیا در چه فیلم هایی ایفای نقش کردند. در واقع مدرسه به من یاد داد آدم نباید یک خط باشد. اگر در ابتدا یک خط است باید ۲ خط شود، سپس ۳ و ۴ خط. باید آن قدر ادامه دهد که ابعاد مختلفی پیدا کند. الان من نمی گویم کارشناس سینما هستم اما اگر فیلمی دیدم جوری درباره اش می دانم که انگار پاسخنانه من است که می خواهد روی تابلو برود. من خوش حالم که در دانشگاه بزرگ شدم و خرسندم که در زندگی ام سعی کردم مسائل اطرافم را عمیق تر ببینم. حتی کارهایی که سرگرمی ام است برایش وقت بگذارم تا شاید روزی به دردم بخورد. به این اعتقاد دارم که آدم ها برای تک تک نفس هایشان می توانند برنامه ریزی کنند.

● مثل ارائه شما جایی ندیدم

در دانشگاه از روز نخست همیشه به خودم می گفتم که من آدمم درس بخوانم و پیشرفت کنم اما هیچ وقت آدم های اطرافم را دست و پا بسته ندیدم. در دوران خوبی که داشتم کسانی کنارم بودند که باید با آن ها رقابت می کردم. در دوران کارشناسی شاگرد اول بودم و پروژه هایی که انجام می دادم جزو بهترین پروژه ها می شد. آن موقع سیستم نبود. باید برای کار با رایانه وقت می گرفتی و مدت ها صبر می کردی اما من به کار کلاس بسنده نمی کردم و درباره چیزهایی که در کلاس مطرح می شد، تحقیق می کردم. تحقیق های کلاسی را مانند یک کار پژوهشی واقعی انجام می دادم. آنجا برای استادی که خودش جزو نخبه هاست یک ارائه کلاسی دادم و او به من گفت «در کشورهای مختلف کارهای تحقیقاتی کرده ام ولی مثل ارائه شما جایی ندیدم.» آن موقع من ۵ کارشناسی بودم. کارهای گروهی را به بهترین شکل انجام می دادم. همیشه خودم بیشتر از همه کار می کردم و در مقابل کوچک ترین قدمی که دوستانم بر می داشتند به آن ها روحیه می دادم.

● حسن رفرنس!

جزوه های دوران کارشناسی را هنوز دارم و بسیار خوب نگه داشته ام. جزوه هایی که استاد درس می داد و بعد به دنبال این می رفتم که از کدام کتاب یا منبع آن را

مقاله پژوهشی و سپس کتاب می شد. کتاب منطق فازی هم آذر ماه و نمایی خواهد شد که پروژه های دوره دکتری من است. شاید دستاورد بزرگ من این است که صفر تا صد کتاب (حتی طراحی جلد آن) را خودم انجام می دهم. الان هم یک کتاب در حال کار کردن هستیم که چند فصل آن مانده است. ■

بیان می کند. تحقیق می کردم و زمانی که استاد می خواست جلسه بعد مطلبی را بیان کند می گفتم این مطلبی که می گوید در کتاب های دیگر به چه نحو مطرح شده است. حتی هم کلاسی ها مسخره ام می کردند و گاهی حتی به شوخی به من «حسن رفرنس!» می گفتند. هیچ وقت انگیزه ام این نبود که استاد از من خوشش بیاید یا یک صدم از استادم بگیرم اما همیشه فکر می کردم من از خانواده ام فاصله گرفته و تفریحاتم را کنار گذاشته ام و آدمم اینجا یک چیزی را به دست بیاورم. فقط یک پاسخ در ذهن من بود. آمده ام به دانشگاه تا تلاش کردن را یاد بگیرم. من همیشه ذهنم این بود که مربی فوتبال هستم و دروسی که دارم باز یکنانم هستند و آن ها را باید بچینم تا بهترین نتیجه به دست بیاورم. پایان نامه ارشد من درباره سرخ کردن کار کردم. مجبور بودم افزون بر موضوع و تعداد مقاله ها به هزینه ها هم فکر کنم چون من کمک مالی از خانواده ام دریافت نکردم. آن سال من ۷ همایش شرکت کردم و هزینه همه آن را خودم دادم و پایان نامه ام را هم خودم انجام دادم.



پدرم به من آموخت که

در دقایق زندگی ام دقیق باشم. مادر مهربانم به من آموخت که در زندگی امیدوار باشم و برادر عزیزم به من آموخت که بر اساس علاقه ام کوشا باشم

● مستعدترین دانشجوی استاد!

دوران کارشناسی ام که تمام شد شاگرد اول دانشگاه با جایزه استعداد درخشان شده بودم و از این طریق به کارشناسی ارشد رفتم. به خودم گفتم که در مقطع دکتری افزون بر شاگرد اولی با کنکور نیز باید بتوانم بروم. دوران ارشد معادل ۱۹/۰۵ شد. کنکور دکترم دادم و به ۲ رتبه به این مقطع راه پیدا کردم. در دوره دکترم با خودم گفتم باید معادل بالای ۱۹ شود. معادل شد ۱۹/۲۴. من شاگرد اول دانشگاه و استعداد درخشان مقطع دکترم شدم. تمام کارهای پایان نامه ام را خودم انجام دادم چون دوست دارم آدمی باشم که متکی به خودم باشم و اگر جایی از من سؤال شد بتوانم پاسخ بدهم. استادم برایم نوشته است مستعدترین دانشجویی که داشتم و پایان نامه شما بسیار حرفه ای نوشته شده است. این لحظه بسیار برای من ذوق ایجاد کرد و شروع به مقاله و کتاب نوشتن کردم. من هرگز سؤالاتم را پیش استادم نماندم و خودم مطالعه و حل می کردم. از هفته اول دکتری ام دانستم چه موضوعی را می خواهم کار کنم. تا به حال مشاور ۳ پایان نامه بوده ام و ۳ طرح پژوهشی در دانشگاه کار کرده ام.

● طرح پژوهشی به جای سر بازی

سپس به دنبال کارهای سر بازی ام به بنیاد نخبگان رفتم که جایزه نظام وظیفه برای سر بازی بگیرم. آنجا یک نفر در بنیاد نخبگان گرگان گفت «بار زومه ای که داری سر بازی ات درست می شود شما به جای نگرانی برای این موضوع برو به دنبال جایزه پسادکتری.» بنیاد نخبگان جایزه ای دارد تحت عنوان شهید چمران که فوق دکتری تخصصی است. مدارکم را فرستادم. از طرفی جواب سر بازی ام آمد که موافقت شده بود و من می توانستم طرح پژوهشی به جای سر بازی ارائه کنم. اکنون در شرکت نان رضوی دوره سر بازی ام را می گذرانم و روی سالم سازی دونات کار می کنم که تا حدود ۲ ماه دیگر به پایان می رسد. پاسخ پسادکتری هم آمد و من می توانستم در دانشگاهی رادر کشور انتخاب کنم. با خودم گفتم بهتر است در شهر خودم باشم و به دانشگاه فردوسی رفتم که آنجا دانشگاه خیرش را روی سایت خودش کار کرد. الان دارم روی سرخ کردن با هوای داغ کار می کنم. پیشرفتم به این خاطر بود که من جزوه خوان نبودم و وقتی وارد مرحله پژوهشی شدم، پیشرفت کردم. با تحقیق آشنا بودم و زمانی که هم کلاسی هایم تازه به فکر مقاله افتادند مقاله من برای همایش دانشگاه شریف پذیرش گرفته بود.

● از ترمیناتور آموختم

من برنامه ریزی دارم و سعی می کنم از وقتم استفاده کنم. من حتی از خوابم نمی گذرم. یکی از ابعاد زندگی ام خواب است و لسی آدم باید از زمان هایی که بیدار است خوب استفاده کند. یک برهه ای از زمان دوست دارم کتاب بنویسم به سراغش می روم، گاهی دوست دارم فیلم ببینم خب می بینم. آدم نباید یک بعدی باشد حتی لوگوی دستگاه هایم را خودم طراحی کردم. من علاقه به فیلم ترمیناتور دارم و از کارگردانش خیلی الهام گرفتم. این آدم سواد سینمایی ندارد ولی مدت ها در کتابخانه در باره جلوه های ویژه می خواندم. لوگوی دستگاهم را شبیه آن ساختم. آدم می تواند از علایق فیلمی اش حتی در کار علمی اش استفاده کند. وقتی که نمونه دفاعم را گرفتم به استادم گفتم و خوشش آمد. یکی از مقالات خارجی از مقاله من به عنوان منبع استفاده کرده بود و اسمم در قسمت منابع کنار دانشمندی به نام کاستا آمد که در زمینه سرخ کردن بسیار کار کرده است. این امر خیلی من را خوش حال کرد چون پیش بینی نمی شد.

● برادرم، پدرم و مادرم الگویم بودند

یکی از کسانی که من از او الهام گرفتم، برادرم است. چون آدمی است که

قضاوت دیگران برایشان مهم نیست و بیشتر به دنبال علاقه اش است و حتی دنبال بازدهی مالی نیست. این روحیه اش مقدس است و در هر کاری که باشد به رضایت منجر می شود. این روحیه را من در کارهایم دارم. من در کاری که انجام می دهم به بعد مالی اش خیلی فکر نمی کنم. سعی می کنم جوری کار کنم که هر چقدر هم به من پرداخت شود، جبران کننده زحمتم نباشد. هر کسی در ذهن خودش باید پاداش کار خودش را بی نهایت بداند. پدرم حرفه اش آشپزی بود و چند سالی بیمار و در بستر است. او کارگر بود ولی هرکسی با او صحبت می کرد، از من می پرسید: «پدرت چه کاره است؟» و وقتی می گفتم که کارگر معمولی است باورشان نمی شد، آن قدر که خوش صحبت بود. جاهای معروفی کار می کرد و بسیار منظم بود. من ندیدم کفش های پدرم و اکس نداشته باشد. باروش خاص خودش جوری واکس می زد که کفش بعد از ۲ هفته همچنان برق می زد. این دقت و روش مندی را که از پدرم گرفتم در زندگی من بسیار تأثیرگذار بود. دقت و انگیزه و تلاش ۳ عنصر اساسی پیشرفت من بود که از خانواده ام گرفتم. پدرم به من آموخت که در دقایق زندگی ام دقیق باشم. مادر مهربانم به من آموخت که همواره در زندگی امیدوار باشم و برادر عزیزم به من آموخت که بر اساس علاقه ام کوشا باشم.

● اتوکش حرفه ای

من در شرایط خیلی سختی بزرگ شدم. کودکی ام را سسر کار فته ام. پدرم نوار کاست زیاد داشت. دوره نوارهای کافی را داشت که حتی موقع مشق نوشتن پخش می شد و من بسیاری از آن روضه ها را حفظ هستم. روزهای تعطیل خیلی بیشتر فرصت بود. مدتی که بیکار می شدم کفش دوردوزی و یادداشت می کردم که این قدر کار کردم. دوره راهنمایی در مدرسه نمونه بودم و کار هم می کردم. تابستان ها هم خطاطی و هم گلدوزی کار کردم. دوره ای کفاشی کار کردم. در هر دوره ای درگیر تأمین معاش بودم. به محض تعطیلی به خانه می آمدم تا به کارهای مدرسه ام برسم. این اخلاق را دانشجویی هم داشتم. یک کلاس کنسل می شد سریع به خوابگاه می رفتم و به کارهایم می رسیدم. همیشه فکر می کردم خانواده با استعدادی دارم که به آن چیزی که باید نرسیده اند. این برایم مهم بود که در زندگی به خواسته ام برسم. شاید نبود امکانات و پایین شهری بودن مرا به سوی هدفم سوق داده است. من در مدرسه راهنمایی امکاناتی نداشتم. یک کاپشن کهنه می پوشیدم اما یاد گرفته بودم که مرتب باشم. الان یک اتوکش حرفه ای هستم. لباس هایم را مشهد اتو می کردم و ۴ ماه در گرگان می پوشیدم. لباس های دانشگاهم را بلافاصله در می آوردم و داخل کمد می گذاشتم. حتی یک لباس را دو بار نمی پوشیدم تا کثیف نشود. به همه این ها فکر می کردم تا بهترین باشم.

● توجه ام به مناطق محروم است

پدرم وقتی دیپلم گرفتم گفت «من تو را قبول دارم و نیاز نیست به خودت فشار بیاوری.» هیچ وقت در ذهنش نبود که من دکترم بگیرم. مادرم ولی دوست داشت. مادرم واقعا آدم ساده و عمیقی است و امیدش را در سختی ها از دست نمی دهد.

او آدم سنتی است که شاید تا الان روی خوشبختی رانندیده است. همیشه در ذهنم می گویم امیدهای مادرم را به نتیجه برسانم. من در منطقه ای بزرگ شده ام که به اسم منطقه بدی است ولی آدم های بسیار خوبی در آنجا زندگی می کنند. شاید یکی از اولویت های زندگی من در هر مسئولیت و درجه ای که هستم این باشد که بتوانم یک بخشی از مناطق محروم را پوشش بدهم. اگر این ها را انجام دهم تمام آنچه خوانده ام، بیهوده است. اگر بخوام کار آفرین شوم به این مناطق توجه می کنم.

مناطق که آدم ها در آن به حق خودشان از زندگی نرسیده اند. یک عرق خاصی به مردم منطقه خودم دارم و خودم را نماینده شان می دانم.

● دوست دارم ایران بمانم

اولین بار در راهنمایی معلم درباره خودشناسی حرف زد که معنایش را نمی فهمیدم. اما با گذشت سال ها تازه الان متوجه این مفهوم می شوم که چطور آدم باید ابعاد خودش را گسترش بدهد. اگر آدم فقط به سود خودش فکر کند نمی تواند به اطرافانش خدمت برساند. من به شدت به تدریس علاقه دارم و اینکه بتوانم مطلب پیچیده را بفهمم و آن را به دیگران منتقل کنم. مشکلات زیاد است ولی دوست دارم این گزارش بهانه انگیزه ای برای دیگران باشد. برای کسانی که موقعیت من را داشته اند. در این کشور میلیون ها تومان برای من خرج شده است. گفتن لفظ دکتر برای من هیچ لذتی ندارد. من به آموختن علاقه داشتم. الان برایم مهم نیست من را با این لفظ خطاب کنند. من مایل نیستم از ایران بروم. در کشور برایم هزینه های زیادی شده است، رفتن از اینجا برایم دشوار است اما اگر شرایط کاری برایم فراهم نشود شاید مجبور شوم که بروم. ■



به مناسبت هفته وحدت به دیدار جانباز ۷۰ درصد محله صبا رفته ایم

دستی که صدام گاز گرفت

هم محلی

سخت کوش خانواده که حالا دیگر چاره‌ای ندارد، حقوق اندکش را سرمایه کارش می‌کند و جوراب می‌خرد و به میان گاراژها و پایانه مسافربری می‌رود تا آن‌ها را بفروشد. مدت‌ها کارش همین است. با درآمد کم جوراب فروشی روزگار سختی دارند اما قانع هستند. با قرض و قسط خانه کوچکی برای خودشان دست و پا می‌کنند. پسرها با همان حقوق اندک درس می‌خوانند و دانشگاه می‌روند. چند سال پیش دوباره پرونده‌اش به کمیسیون می‌رود و این بار جانبازی ۷۰ درصدی‌اش تأیید می‌شود تا با حقوقی که برایشان مقرر می‌شود از کار کم درآمدش خود را بازنشست کند. حالا دیگر نه مردم به اندازه قبل جوراب می‌خرند و نه او توان گذشته را دارد. پسرهایشان که الان دیگر خودشان پدر شده اند قدر مادر و پدر را خوب می‌دانند. با تلاش و ایستادگی بی‌اندازه آن‌ها را به این مرحله رسانده‌اند. تنها دخترشان ۱۰ سال دارد و مادرش می‌گوید: «مشقات بوده تا ما به دیدنشان برویم و او از کاستی‌های خانه‌شان به ما بگوید.» مرد با همه سختی‌هایی که در زندگی کشیده، راضی است. زن هم همین‌طور. نوه‌ها گاهی از اینکه پدر بزرگشان نمی‌تواند مثل بقیه بابا بزرگ‌ها

به مناسبت هفته وحدت به دیدار جانباز ۷۰ درصد دفاع مقدس بهرام میهن دوست می‌رویم. مردی که نیمی از بدنش حرکت ندارد. دست راستش از کار افتاده است و پای چپش که به سختی تعادلش را روی آن حفظ می‌کند. ۳ پسر و یک دختر دارد. او کم حرف است و باید به سختی و با سوالات پیاپی از او حرف شنید. او پیش از این ثابت کرده که مرد عمل است و نه حرف. در جزیره مجنون در سال ۶۴ جانباز شده است. هنوز ۱۸ سال بیشتر ندارد که به بسپج محله می‌رود تا لباس رزم بپوشد و عازم جبهه شود اما همین که آموزش‌های جنگ را می‌بیند دفتر چه عزیمت به خدمت برایش می‌آید و او دوران سربازی‌اش را در دفاع از میهن سپری می‌کند. چیز زیادی از خاطرات جبهه به خاطر ندارد و حتی تعداد عملیات‌ها و نام‌هایشان را در خاطر ندارد. فقط می‌داند که با شهید کاوه هم رزم بوده است و به دلیل بمباران هوایی ترکیبی به سرش اصابت می‌کند و او در بیمارستانی در تهران به هوش می‌آید. وقتی نام هم‌زمانش را می‌پرسیم یا تعداد شهدا را او باز هم کمی به ذهنش فشار می‌آورد و می‌گوید: «یادم نیست.» شاید اصابت گلوله به سرش در این فراموشی خاطرات بی‌تأثیر نیست. از اهالی تربت حیدریه است و وقتی که مجروح می‌شود پدر و عمویش بر سر بیهوش پسر حاضر می‌شوند.



او یک ماه را در کما به سر می‌برد تا بالاخره زندگی به روی او لبخند می‌زند. وقتی هوشیار می‌شود تازه می‌فهمد که از این به بعد باید کارهایش را با نیمی از بدنش که هنوز حرکت دارد به انجام برساند. زندگی با یک دست و پا و بدنی که نیمی از آن در اختیار تو نیست اصلاً آسودگی ندارد. باید تلاش کند با همان یک پا راه برود و با همان یک دست کار کند. حدود دو سالی را در بیمارستان و آسایشگاه جانبازان در مشهد می‌گذراند تا بهبود پیدا کند. وقتی دیگر ساختن با یک بدن نیمه بی‌حس را می‌آموزد تازه به فکر زندگی می‌افتد. به خواستگاری دختری در یکی از روستاهای اطرافشان می‌رود. دختری که حالا بانوی خانه‌اش است و وقتی می‌گوییم چطور زن یک جانباز شدی؟ می‌خندد و می‌گوید: «خیال می‌کردم جانبازی مثل سر ما خوردگی است و خوب می‌شود.»

اما او که حالا از زندگی‌اش ابراز رضایت می‌کند تازه بعد از دواج از محدودیت‌های زندگی جانبازی با خبر می‌شود. سعی می‌کنند در همان روستا روزگار بگذرانند اما در روستایی که باید به دنبال نفت و کپسول گاز باشند و کشاورزی و دامداری کنند اوقات خوشی در انتظارشان نیست. زن که جثه‌ای ندارد بخواد این کارها را بکند و مرد هم توانش را ندارد. ناچار به مشهد می‌آیند تا شاید روزگار راحت‌تری داشته باشند اما حضورشان در یک خانه استیجاری در محله مفت آباد همراه می‌شود با کاسته شدن درصد جانبازی و حقوق مرد. جانبازی‌اش از ۷۰ درصد به ۳۰ درصد کاهش می‌یابد تا به دنبال راه دیگری برای امرار معاش باشند. مرد

“ او یک ماه را در کما به سر می‌برد تا بالاخره زندگی به روی او لبخند می‌زند ”



با آن‌ها بازی کند، دلخور می‌شوند یا می‌پرسند دست چه شده است؟ البته آن‌ها هم همان پاسخی را دریافت می‌کنند که سال‌ها پیش پدرانشان شنیده‌اند: «دست بابا بزرگ را صدام گاز گرفته است.»

رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه از احداث بوستان خطی در حاشیه کال اقبال به مساحت ۸ هزار متر مربع خبر داد.
به گزارش شهردار آرمحله، یاسر ابراهیمی بیان کرد: از مهر ماه امسال ما کار دیواره سازی، نرده گذاری، سنگ فرش، پیاده‌روسازی، احداث فضای سبز و

کاشت درختان را در مساحتی حدود ۸ هزار متر مربع در حاشیه کال اقبال در بخش خیابان صبا غربی آغاز کردیم. این پروژه که با اعتباری حدود ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان آغاز شده است تا فصل تابستان به اتمام خواهد رسید و شهروندان عزیز می‌توانند از آن بهره ببرند.

شهروندان خیابان شهید خیبری ۹ از مزاحمت خودروهای سواری گلایه دارند آزمایش سلامت خودروها به قیمت سلامت شهروندان

در محله

۵۹

بخشده

به درخواست شهروندان خیابان خیبری ۹ راهی این خیابان شدیم تا از آنچه که این شهروندان را هر روز آزار می‌دهد و آسایش و امنیتشان را به مخاطره کشانده است گزارشی تهیه کنیم. ابتدای خیابان شهید خیبری در بولوار جمهوری اسلامی واقع شده و انتهای آن متصل به خیابان امام رضا ۷۶ است. خیابان شهید خیبری به دلیل ترافیک شدید در تقاطع با خیابان کوشش شلوغ است و تردد روزانه زیادی دارد.



مغازه‌های تعمیرات خودرو و این خیابان هم عاملی هستند تا شهروندان از تمامی شهر برای تعمیر خودرو خود به این خیابان بیایند و البته کوچکی تعمیرگاه‌ها به پارک دوپل خودروها در دو سمت خیابان و ایجاد ترافیک منجر شده است. نکته‌ای که ما را به این خیابان می‌کشاند اما این موارد نیست و تنها مریوط به خیابان شهید خیبری ۹ است که محل آزمایش خودروهای تعمیراتی است و سکوت این محل را به چالش می‌کشد.

● بافت مسکونی خیابان شهید خیبری

یکی از ساکنان قدیمی این خیابان که ۵۰ سال سابقه حضور در این محله دارد، می‌گوید: خوب به یاد دارم که در ابتدا اینجا ۱۳۰ واحد نام داشت و بخش عمده آن منازل مسکونی و بخشی نیز بیابانی بود.

اما از ۳۰ سال پیش در خیابان خیبری اولین تعمیرگاه خودرو و ایجاد شد و پس از ۵ سال فعالیت آورفته رفته به تعداد تعمیرگاه‌ها در اینجا افزوده شد. حتی برخی منازل مسکونی خود را تخریب و دوباره بازسازی کردند تا در آن واحد تجاری بنا کنند و حالا تمام خیابان خیبری به تعمیرگاه بزرگ خودروها تبدیل شده است.

● خیابان آزمایشی خیبری ۹

شهروندان ساکن خیابان خیبری ادامه می‌دهد: مشکل اصلی آمدن تعمیرگاه‌ها آرامش و امنیت است که از محله ما رخت بر بسته است زیرا بسیاری از این تعمیرگاه‌ها برای آزمایش خودرو و مشتریان خود به خیبری ۹ می‌آیند و کار عیب‌یابی خودروها را در آن انجام می‌دهند. اغلب این کار در میانه روز و بعد از ظهرها انجام می‌شود که شهروندان در حال استراحت هستند و یک باره با صدای گوش‌خراش ترمز رو به رو می‌شوند.

در زمان این صدا اولین فکری که به ذهن ما خطور می‌کند به وقوع پیوستن یک حادثه است. در سرتاسر این خیابان در طول روز نزدیک به ۲۰ بار ما شاهد این اتفاق هستیم. کاسب خیابان شهید خیبری به پارک خودروهای کسبه در این خیابان نیز انتقاد می‌کند و می‌افزاید: یکی دیگر از مزاحمت‌های کسبه خیابان خیبری برای ما پارک خودروهای آن‌ها در مقابل منازل مسکونی این خیابان است که حتی در همان ابتدای خیابان، شاهد پارک خودروها به صورت دوپله هستیم.

● آمار بالای تصادف‌ها

ممبیتی، یکی از سالمندان این محله نیز با انتقاد از نبود سرعنگیر در تقاطع اول خیابان شهید خیبری می‌گوید: در هفته حداقل شاهد یک یا ۲ تصادف هستیم که با نصب یک سرعنگیر می‌شود جلوی این تصادف‌ها را گرفت. به عقیده من در این خیابان شاهد به وقوع پیوستن بیشترین تصادف‌ها هستیم که اگر بگویند گزارش نشده، درست است زیرا بسیاری از تصادف‌ها خسارت جزئی می‌بینند و به پلیس گزارش نمی‌شوند. نصب سرعنگیر افزون بر کاستن تصادف‌ها می‌تواند از مزاحمت‌های تعمیرکاران خودروها برای شهروندان بکاهد. این شهروندان خیابان خیبری ادامه می‌دهد: من به علت مشکلات تنفسی از منزل بیرون نمی‌روم و همواره به دلیل صدای گوش‌خراش ترمزها، تصادف‌های زیاد و شلوغی خیابان خیبری در عذاب هستم. اگر کسبه مانند خیابان کوشش بگویند اول آن‌ها آمدند بعد مسکونی‌ها، درست نیست زیرا بافت اینجا از ابتدا مسکونی بوده است.

● رد و تأیید تعمیرکاران خیابان شهید خیبری

به سراغ تعدادی از تعمیرکاران خودرو در خیابان خیبری رفتیم تا علت آزمایش خودروها را در خیابانی مسکونی جویا شویم. یکی از تعمیرگاه‌های خودرو که در ابتدای خیبری ۹ واقع شده ضمن رد هرگونه آزمایش خودرو و از سوی تعمیرکاران در این خیابان می‌گوید: من که در این خیابان کسب می‌کنم تاکنون ندیدم کسی ترمز خودرو خود را اینجا آزمایش کند. من به مشتریان خود می‌گویم تا مدتی سعی کنند نرم ترمز بگیرند و یک باره پای خود را روی پدال ترمز فشار ندهند. البته برخی هم هستند که می‌خواهند ترمز را آزمایش کنند که ما آن‌ها را به خیابان خیبری ۱۵ که عرض بیشتری دارد، راهنمایی می‌کنیم. به سراغ تعدادی دیگر از تعمیرگاه‌ها رفتیم و پاسخ‌های متفاوتی از ادعای شهروندان دریافت کردیم اما به آخرین تعمیرگاهی که می‌رویم یکی از تعمیرکاران ابتدا ضمن رد ادعای شهروندان هرگونه آزمایش ترمز خود را رد کردیم. ۹ بیشتر عرض را در این محدوده دارد. خیابان خیبری ۹ بیشتر عرض را در این محدوده دارد و به این دلیل بیشتر تعمیرگاه‌ها در این خیابان به آزمایش ترمز و حتی عیب‌یابی خودروها اقدام می‌کنند. البته تاکنون ما ندیده بودیم کسی به این دلیل ابراز ناراحتی کند.

V

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۵۶ / سه شنبه / ۲۸ آبان ۹۸

آی خبر

اقدامات کتابخانه‌های منطقه برای جذب شهروندان

تب کتاب

جلائیان - در تمام کتابخانه‌های منطقه به مناسبت روز کتاب و هفته کتاب خوانی برنامه‌های ویژه‌ای برای جذب شهروندان در جریان است. مسئولان شهرداری منطقه و نهاد کتابخانه‌ها با برگزاری برنامه‌ها و محافل ادبی مختلف در تلاش هستند پای شهروندان را به این مراکز باز کنند. ما نیز در شهر آرمحله به مناسبت این هفته به تعدادی از کتابخانه‌های منطقه رفتیم تا از فعالیت‌های آن‌ها در این هفته گزارشی تهیه کنیم.

کتابخانه شهید مطهری واقع در بوستان شادی خیابان خلیج یکی از پررونق‌ترین کتابخانه‌ها در منطقه و حتی شهر است. متحده، مسئول این کتابخانه، از برنامه‌های اجرا شده و در حال اجرای این کتابخانه در این هفته گفت: هر سال به مناسبت روز کتاب ما برنامه‌های متنوعی در راستای جذب شهروندان مشهدی به ویژه محدوده سیدی اجرا می‌کنیم که امسال نیز این برنامه‌ها با قوت بیشتری در حال اجراست.

● برنامه‌های متنوع در کتابخانه شهید مطهری

متحده ادامه داد: اجرای طرح کسبوری بخشش دیرکرد کتاب‌هایی که از سوی اعضا به امانت برده شده و در موقع مقرر بازگردانده نشده است، دید و بازدیدهای ما و دانش‌آموزان مقاطع مختلف از جمله برنامه‌های ما در این هفته است.

وی افزود: در این هفته ما به تعدادی از مدارس می‌رویم و ضمن نواختن زنگ کتاب در یکی از مدارس به معرفی کتابخانه می‌پردازیم. دانش‌آموزان مدارس محدوده سیدی نیز به اینجای می‌آیند و ما برنامه‌های خاصی را با هدف علاقه‌مندسازی دانش‌آموزان به فرهنگ مطالعه در نظر داریم. افزون بر این ما محفلی ادبی را در محل کتابخانه با حضور استادانی از این حوزه داریم که در حضور عموم شهروندان برگزار می‌شود.

متحده گفت: یکی از برنامه‌های مهمی که در کشور در این روز برگزار می‌شود، عضوگیری رایگان است که در روز شنبه ۲۵ آبان انجام می‌شود و با اطلاع‌رسانی‌هایی که مادر مدارس و مساجد منطقه انجام دادیم تعداد در خور توجهی به عضویت کتابخانه شهید مطهری درآمدند.

● برنامه‌های علاقه‌مندان به کتاب در شهرک طرق

کتابخانه فرزانه جامع در طرق یکی دیگر از کتابخانه‌های فعال در منطقه است. این کتابخانه از سال ۸۲ کار خود را آغاز کرده و اکنون حدود ۲۲ هزار جلد کتاب در قفسه‌های این کتابخانه قرار گرفته است. تعداد اعضای این کتابخانه نیز بالغ بر ۱۶۰۰ نفر هستند که اغلب آن‌ها اهالی شهرک طرق هستند.

ایمان مرتاض، از کتابداران این مرکز، درباره برنامه‌های اجرا شده در این کتابخانه گفت: ما هفته کتاب خوانی را با برنامه‌هایی از قبیل ثبت نام رایگان و مطالعه گروهی کتاب آغاز کردیم و با برگزاری جشن کتاب و نشست‌های کتاب خوانی ادامه دادیم. از روز دوشنبه تا چهارشنبه نیز ما از دانش‌آموزان مدارس شهرک طرق میزبانی می‌کنیم و برای چهارشنبه و پنجشنبه نیز برنامه‌های قصه خوانی و ایستگاه سرگرمی را پیش بینی کردیم.

● اقدامات شهرداری منطقه به مناسبت هفته کتاب

شهرداری منطقه نیز ۳ کتابخانه در محلات ایمان، خلیج و محله پروین دارد. ناصر خجسته، رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی منطقه، در گفت‌وگو با شهردار آرمحله خبر از اجرای برنامه‌های شهرداری منطقه به مناسبت هفته کتاب و کتاب خوانی داد.

وی بیان کرد: اقدامات ما به مناسبت هفته کتاب و کتاب خوانی شامل برگزاری نمایشگاه کتاب در کتابخانه‌های منطقه، مسابقات نقاشی با عنوان پیامبر رحمت، قصه‌گویی کودکان در کتابخانه قائم و ایمان، عضوگیری رایگان در طول هفته و تعدادی برنامه مشارکتی نیز با کتابخانه‌های منطقه داریم که نشست کتاب‌خوان به مناسبت هفته و حدت در محل کتابخانه فرزانه جامع و محفل ادبی کتابخانه شهید مطهری از جمله آن‌هاست.



آخرین خبر



۱۱

لباس نو بر تن خیابان‌های منطقه

رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه از آسفالت بیش از ۲۳۰ هزار متر مربع از خیابان‌های اصلی و فرعی منطقه از ابتدای سال خبر داد.

یاسر ابرهیمی در گفت‌وگو با شهرآرامحله اظهار کرد: از ابتدای امسال تاکنون شهرداری منطقه به آسفالت ۹۰ خیابان اصلی و فرعی در منطقه به مساحت ۲۳۰ هزار مترمربع با اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان اقدام کرده است. رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه با اشاره به معابری که در آن کار آسفالت به اتمام رسیده است، ادامه داد: در خیابان صبا، صبا ی غربی و معابر فرعی آن، محله ایمان، خیابان‌های فرعی امام رضا ۵۶، ۵۸، ۶۰ و خیابان‌های قائم، نسترن، شهید عرفانی، شهید دهستانی، شهید ثابت بیگیان، بزرگمهر و چند خیابان دیگر تاکنون کار کشیدن آسفالت انجام شده است. ابرهیمی با تأکید بر ادامه داشتن آسفالت خیابان‌ها افزود: کار آسفالت خیابان‌های منطقه همچنان ادامه دارد و ما قصد داریم تا پایان سال در حدود ۱۰۰ هزار متر مربع از معابر اصلی و فرعی دیگر منطقه را آسفالت کنیم.



۱۲

برگزاری کلاس‌های ورزشی در سالن ایمان

کارشناس تربیت بدنی آقایان شهرداری منطقه از برگزاری کلاس‌های ورزشی برای بانوان و آقایان در محله ایمان خبر داد.

به گزارش شهرآرامحله، جواد کریمی از تجهیز سالن ورزشی ایمان خبر داد و بیان کرد: برای تجهیز و بهره‌برداری شهروندان از سالن ورزشی ایمان، شهرداری منطقه به تجهیز سالن با اعتباری در حدود ۶۰ میلیون تومان اقدام کرده است. کارشناس تربیت بدنی ادامه داد: برای بهره‌بردن شهروندان از این سالن تمهیدات خاصی در نظر گرفتیم که یکی از آن‌ها برگزاری ورزش صبحگاهی رایگان در این سالن است. کریمی افزود: بانوان این محله می‌توانند همه‌روزه با مراجعه به این سالن در بوستان ایمان برای حفظ تندرستی خود از خدمات این سالن بهره‌برند. وی همچنین گفت: افزون بر ورزش‌های صبحگاهی، در رشته‌های ورزشی آمادگی جسمانی، ایروبیک، پیلاتس، ژیمناستیک، کشتی ورشته‌های رزمی ووشو، کاراته و تکواندو کلاس‌های آموزشی در سالن ورزشی ایمان با بهره‌گیری از استادان مجرب و نازل‌ترین شهریه برگزار می‌شود.



۱۳

افتخار آفرینی رزمی کاران خیابان کوشش

مربی تیم کوشین کاراته شهید بهشتی فعال در محدوده خیابان کوشش منطقه ۷ از افتخار آفرینی این تیم در رقابت‌های استانی خبر داد.

علیرضا امیری به خبرنگار شهرآرامحله گفت: تیم کاراته شهید بهشتی در چهلمین دوره از مسابقات قهرمانی استان در سبک کوشین با ۱۱ ورزشکار شرکت کرد و توانست ۲ مدال طلا و ۸ مدال نقره به دست آورد. مربی تیم کاراته شهید بهشتی ادامه داد: تنها ۶ ماه از آغاز به کار تیم ما می‌گذرد و اکنون ۲۵ بازیکن در رده‌های سنی خردسالان، نوجوانان، جوانان و پیش‌کسوتان عضو داریم که همگی آن‌ها عضو پایگاه بسیج مسجد امام علی (ع) در خیابان کوشش هستند. امیری خطاب به مسئولان ورزشی شهر گفت: ما اکنون خود را آماده مسابقات قهرمانی استان و کشوری می‌کنیم اما متأسفانه فاقد بسیاری از امکانات اولیه همچون تاتمی، کیسه بکس، میز و وسایل گرمایشی هستیم که با توجه به کیفیت و استعداد رزمی کارانی که داریم می‌طلبند مسئولان توجه بیشتری به این تیم داشته باشند.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۸۱ و پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

نشست در خیابان شهید خاکستری!

حسینی - با سلام، چرا شهرداری مکان‌هایی را که در خیابان شهید خاکستری ۲۷ و ۳۹ و سپاه ۶۴ نشست کرده را با شن و خاک پر نکرده است؟ بشکر

جوابیه: درباره نشست خیابان‌های شهید خاکستری و سپاه به استحضار می‌رساند، با توجه به اینکه نشست‌های موضعی و چاله‌های ایجاد شده ناشی از حفاری شرکت آب و فاضلاب در آسفالت موجب انحراف ترافیک و خطری شدن معبر می‌شود، به صورت موقت با تراشه آسفالت رفع خطر و اخطار الزام به شرکت خدماتی مربوط ابراهیم شد.

هرس درختان

شهروند - سلام در ۱۷ شهریور ۷۱ مقابل خانه شهید درختان مانع روشنایی در شب هستند و آنقدر سر شاخه‌های درختان پایین است که برای عابران پیاده هم مزاحمت دارد. اگر امکان دارد برای هرس شاخه‌های درختان اقدام شود.

جوابیه: مسئله‌ای که مطرح شد بررسی خواهد شد و در صورت مزاحمت رفع خطر می‌شود.



مردم

برای پرنده ای که در قفس است فرقی ندارد کجا زندگی کند

موقعیت: ۱۷ شهریور



۱۴

داود بهگام
شهرآرامحله